

از مسائل کتاب‌پردازی در قرن هشتم

محمد رضا شفیعی کدکنی*

چکیده

آنچه در این مقاله می‌خوانید ترجمه بخشی از کتاب معیدالنعم، تألیف تاج‌الدین عبدالوهاب سُبکی، فقیه برجسته شافعی در قرن هشتم هجری است. مؤلف در این کتاب به معرفی و چگونگی حدود یکصد و دوازده شغل در دوران خود پرداخته است. وی در فصل‌هایی از کتاب، به مسائل مربوط به «کتابت»، «استنساخ»، «ورّاقی»، «جلدسازی یا مجلّدی»، «تذهیب» و «کتابفروشی» پرداخته است. همچنین در آغاز مقدمه‌ای به قلم مترجم درباره دیدگاه عالمان علوم عقلی نسبت به این گونه مسائل و یا به عبارتی شیوه تفکر رایج آن عصر در برخورد با علم و هنر آمده است.

کلید واژه

کتابت، نسخه‌شناسی؛ ورّاقان؛ کتابفروشان؛ تذهیب.

*

تاج‌الدین عبدالوهاب سُبکی (۷۷۱-۷۲۷ ق) از فقهای برجسته شافعی در قرن هشتم هجری است^۱ و از علمای بزرگ ناحیه مصر و شام. خاندان سُبکی از مشهورترین

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران.

۱. وی در قاهره متولد شد و در دمشق درگذشت، بیشتر تحصیلات و فعالیت‌های فقهی و قضایی او در ناحیه شام بوده است. در کار قضا، با دشواری‌هایی هم روبرو بوده که ممکن است ریشه در اختلافات عقیدتی با بعضی از معاصران او داشته باشد؛ به‌ویژه که وی از مخالفان عقاید ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ ق) بوده است. حتی او را به‌زندقه نیز متهم کرده‌اند. حدود ده کتاب از آثار او باقی است که یکی از آنها طبقات شافعیة الکبریٰ

خاندان‌های فقهت و حدیث در عصر خود بوده‌اند. آثار بازمانده از او شهرت بسیار دارد و همه در کمال اهمیّت است از قبیل طبقات الشافعیة الکبری که از مهم‌ترین مراجع زندگی‌نامه‌نویسی در جهان اسلام به‌شمار می‌آید.

آنچه در این یادداشت مختصر خواهید خواند بخش‌هایی از کتاب معیدالنعم اوست^۱ که در آن به مسائل مربوط به «کتابت» و «استنساخ کتاب» و پیشه‌های «ورّاقی» و «مجلدی» و «تذهیب» و «کتابفروشی» (دلّالی کتاب) پرداخته است و از خلال آن به عمق بسیاری از مسائل فرهنگی دنیای قدیم و موانعی که بر سر راه نشر بعضی از کتاب‌های خردگرایی وجود داشته می‌توان دست یافت. همچنین از مقایسه سخنان و فتاوی او، که فقیه و قاضی بزرگ ناحیه مصر و شام بوده، با آنچه در مشرق جهان اسلام، یعنی ایران بزرگ، رواج داشته، به روشنی می‌توان دریافت که چرا هنر

آنچه عقیده مختار ماست این است که آراستن مصحف، مطلقاً، حلال است. اما به‌جز مصحف، اتّفاق اصحاب، بر این است که کتاب‌های دیگر را نباید به‌زور آراسته کرد.

«کتاب‌پردازی» و «تذهیب» و «تجلید» و وضعیّت کتاب‌های علوم عقلی و... در این طرف - که ایران است - به‌مراحل، بهتر از ناحیه شام و مصر بوده است. نقش تدریجی فتاوی فقها را در کاستن از خلاقیت‌های هنری آن روزگار و آن ناحیه از جهان اسلام، به‌راحتی، از خلال همین احکام و فتاوی، می‌توان مشاهده کرد.

است که دایرةالمعارف گسترده رجال تا عصر اوست و بخش عظیمی از اطلاعات مربوط به بزرگان جهان اسلام را در آن کتاب می‌توان یافت.

۱. نام کامل کتاب چنین است معیدالنعم و مُبیدُ النعم (آنچه نعمت‌ها را باز می‌گرداند و سختی‌ها را از میان برمی‌دارد) کتاب در حدود سال ۷۶۲ ق، تألیف و بارها چاپ شده است از جمله در لیدن هلند. چاپی که مورد مراجعه ما بوده دارای این مشخصات است: معیدالنعم و مبیدالنعم، حَقَّقَهُ و ضَبَطَهُ و علق علیه محمد علی النجار - ابوزید شلبی - محمد ابوالعیون. یطلب من مکتبه الخانجی بمصر و من مکتبه المثنیٰ ببغداد. طبع بدارالکتاب العربی بمصر، القاهرة، الطبعة الاولى ۱۳۶۷ هـ/۱۹۴۸ م.

در یادداشت دیگری مسأله ستیزه فقیهان آن عصر و آن ناحیه را با عقل و کتب فلسفه و کینه‌توزی‌های شگفت‌آور ایشان را در ممانعت از عقل‌گرایی - حتی در حد خواندن تفسیر کشاف زمخشری (۵۳۸-۴۶۷ ق)، که مؤلف آن به دلیل مشرب اعتزالی خویش رایحه ملایمی از عقل‌گرایی دارد - بررسی خواهیم کرد.

قابل یادآوری است که خوانندگان بدانند وقتی سبکی در این یادداشت دم از «کتب علم» می‌زند منظورش فقط «علم حدیث» است و لاغیر. در چشم‌انداز امثال او ریاضیات و طب و نجوم و فلسفه و غیره مطلقاً «علم» به حساب نمی‌آیند. به همین دلیل ما کلمه «علم» را در ترجمه گفتار او همه جا داخل «گیومه» قرار دادیم. این تنها او نیست که وقتی کلمه «علم» را به کار می‌برد فقط اراده «علم حدیث» می‌کند. تمام محدثین بزرگ، «علم» را منحصر در «علم حدیث» می‌دانسته‌اند. به این عبارت ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ ق) محدث برجسته و بی‌همتای قرون و اعصار، درباره ابن سینا (د ۴۲۸ ق)، فیلسوف و عالم درجه اول جهان اسلام بنگرید:

”می‌دانم که آیا او [ابن سینا] چیزی از «علم» روایت کرده است یا نه. و اگر هم روایت کرده باشد، نقل کردن از طریق او روا نیست! زیرا دارای مشرب فلسفی است و گمراه. خدای ازو خشنود مباد!“^۱

سعه صدر این «عالم» بزرگ را ملاحظه می‌فرمایید؟! ترجمه و تحریر متن کتاب معیدالنعیم را در حدود سال ۱۳۴۶ آغاز کردم و نزدیک به نیمه بود که آن را رها کردم. امیدوارم به زودی آن را تمام کنم. کتابی است در معرفی پیشه‌ها و مشاغل در جهان اسلامی عصر حافظ (قرن هشتم) که در شناخت زندگی شهری و ساحت‌های گوناگون تمدن جهان اسلام، دارای کمال اهمیت است. مؤلف در آن به معرفی حدود یکصد و دوازده^۲ پیشه و شغل پرداخته و وظایف هرکدام از صاحبان این مشاغل را از دیدگاه خودش - که عملاً دیدگاه رسمی دولتی عصر او در ناحیه شام و مصر بوده است - تعیین کرده است. از مقایسه فتاوی او، با آنچه در مشرق جهان اسلامی - یعنی عرصه

۱. لسان المیزان (حیدرآباد، دکن، ۱۳۳۱ ق)، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. در بعضی نسخه‌ها شمار این مشاغل کمی تفاوت دارد.

ایران بزرگ - رواج داشته بسیاری نکات بر ما روشن می‌شود و ما با مفهوم بسیاری از مشاغل و میدان کار صاحبان آن‌ها، به‌طور دقیق آشنا می‌شویم و همچنین درمی‌یابیم که چرا «فلسفه در جهان اسلام» چیزی نیست جز فلسفه در قلمرو «ایران‌شهر» یا «ایران بزرگ». اگر چند استثنا وجود داشته باشد این قاعده بر اعتبار خویش باقی است.

کتابدار (= خازن کتب)

وظیفه او حفظ کتاب است و ترمیم اوراق شدگی آن و به‌هنگام لزوم، صحافی (حبک) آن و باید که در دادن کتاب به‌غیر اهل آن ضنت ورزد و بر نیازمندان آن را بذل کند و به‌هنگام عاریت دادن کتاب، تهی‌دستان را - که فراهم کردن کتاب برای ایشان دشوار است - بر ثروتمندان مقدم دارد.

چه بسیار دیده شده است که واقفی شرط کرده است که کتاب از کتابخانه به‌بیرون برده نشود مگر در برابر گرو نهادن بهای آن و این خود شرطی است درست و معتبر، کتابدار حق ندارد که آن را، بدون گروگان، به‌عاریت دهد؛ این نکته‌ای است که قفال^۱ در فتاوی، بدان تصریح کرده است و نیز شیخ امام (پدر مؤلف) در تکملة شرح المهذب^۲ و هم او یادآور شده است که این رهن، رهن شرعی تلقی نمی‌شود.

ناسخ (= کاتب، نسخه‌بردار)

در مورد وظایف ناسخ، یعنی نسخه‌بردار می‌گوید: وظیفه اوست که از کتاب‌های گمراه‌کننده (مضله) چیزی کتابت نکند، مانند کتاب‌های اهل هواء و بدعت‌ها و همچنین نباید به‌کتابت کتاب‌هایی پردازد که در راه خدا سودی نمی‌رسانند، مانند سیره عترة^۳ و جز این از کتاب‌های بر ساخته گوناگون که مایه تضييع وقت است و در راه دین بدان‌ها نیاز

۱. منظور، ابوبکر عبدالله بن احمد قفال مروزی (د ۴۱۷ ق) است که از بزرگان فقهای شافعیه در خراسان بوده است.

۲. المهذب، یکی از کتب مهم فقه شافعی است تألیف ابواسحاق شیرازی (د ۴۷۶ ق) که در طول تاریخ شروح بسیار بر آن نوشته شده است و یکی از آن‌ها تکملة شرح المهذب تألیف پدر مؤلف است.

۳. سیره عترة یکی از مشهورترین کتاب‌های قصه‌خوانی و گذران ایام فراغت، در دنیای عرب زبان است. چیزی شبیه رستم‌نامه و اسکندرنامه و حسین‌گرد و امثال آن‌ها در دنیای فارسی زبان.

نیست. همچنین کتاب‌های اصحابِ مجنون و مسخرگان و آنچه در اصناف جماع و وصف شراب‌ها پرداخته‌اند و مایهٔ تهییج محرّمات می‌شود.

ما کاتبان و نسخه‌برداران را از این‌گونه کتاب‌ها بر حذر می‌داریم؛ چرا که دنیا ایشان را فریب می‌دهد و غالباً کسی که به نسخه‌برداری از این‌گونه کتاب‌ها می‌پردازد اجرتی بیش از کسانی که به نسخه‌برداری از کتاب‌های «علم» می‌پردازند دریافت می‌کند. پس شایسته است که کاتب و نسخه‌بردار، دین خود را به دنیا نفروشد.

بعضی از کاتبان و نسخه‌برداران هستند که رعایت امانت نمی‌کنند و با شتاب کتابت می‌کنند و اگر قرار گذاشته باشند که تمامی کتابی را نسخه‌برداری کنند، در خلال کتابت چیزهایی را حذف می‌کنند تا کار را به پایان برند. چنین کسانی به‌خداوند تعالی خیانت می‌ورزند در کار تضییع «علم» و نیز در کار گسیختن ارتباط اجزای کلام. به‌مصنّف خیانت می‌کنند در ناقص کردن کتاب او و نیز به آن کسی که با او قرار داد دارند برای کتابت آن مقدار از کتاب و از آن می‌دزدند.

اصحاب ما (شافعیه) بر آنند که اگر کسی با کاتب قرار گذاشته که چیزی را برای او کتابت کند و او به‌خطا کتابت کرد، یا قرار گذاشت که به [خط] عربی بنویسد و او به [خط] عجمی کتابت کرد یا برعکس، کاتب ضامن نقصان ورق خواهد بود. اعتقاد نووی^۱ - که بسیار نزدیک است به رأی غزالی در فتاوی او - برین است که وقتی کسی با کاتبی قرار گذاشت که کتابی را برای او نسخه‌برداری کند و او ترتیب ابواب را به هم زد و تغییر داد، حال اگر چنان بود که بتوان به‌تدوین بعضی با بعضی پرداخت - از قبیل این که کتاب ده باب باشد و او باب اوّل را در آخر کتابت کرده باشد، به‌گونه‌ای که بتوان بر آن بنا نهاد - مستحق سهم خود از اجرت کتابت خواهد بود و گرنه هیچ‌حقی به او تعلق نمی‌گیرد.

۱. منظور یحیی بن شرف نووی (یا نوای منسوب به‌دهمی به‌نام «نوان») است (۶۶۷-۶۳۱ ق) از علمای بزرگ فقه و حدیث و یکی از پرکارترین ایشان.

از پدرم، امام^۱ - رحمه‌الله - استفتا کردند درباره شخصی که ناسخی را در برابر اجرتی معین اجیر کرده است تا یک ختم [قرآن] برای او کتابت کند و کاتب مدّت یک‌سال کار را به تأخیر انداخته است البتّه درین یک‌سال خطّ او بهتر شده است آیا کاتب حق دارد، به خاطر نیکوشدن خطّ خویش اجرتی افزون طلب کند، یا حق فسخ برای طرف باقی است؟ پدرم چنین فتوا داد که: هیچ‌کدام از این دو حق نخواهد داشت، بلکه لازم است که آن را، با همان اجرت کتابت کند. و هرکس که ناسخی را اجیر می‌کند باید عدد اوراق و سطرها را، در هر صفحه، برای او، مشخص کند.

در مورد نوع مرکّب اگر اختلاف کردند، و از قبل تعیین نشده بود، صحیح آن است که به آن‌چه عادت بر آن است رجوع شود؛ حال اگر اختلاف باقی‌ماند باید بیان شود و گرنه معامله باطل خواهد شد.

ورّاق (= کاغذفروش)

پیشه ورّاقی از نیکوترین پیشه‌هاست زیرا در جهت یاری رساندن به کتابت مصاحف و کتب «علم» و اسناد (= وثائق) مردم و عهدنامه‌های ایشان است. شکری که صاحب این پیشه باید خدای را بگزارد در این است که با طالب «علم» و جز او مهربانی و مُدارا کند. جانب کسانی را که می‌داند کاغذ (ورق) را برای کتابت «علم» می‌خرند نگاه دارد. به کسی نفروشد که می‌داند آن را برای چیزی که سزاوار نیست می‌خرد؛ مثلاً برای نوشتن کتاب‌های «بدعت» و «اهواء» و «شهادت دروغ» و «مرافعه»ها و امثال آن.

مجلّد (= صحّاف)

آن‌چه بر او لازم است همان است که بر ناسخ و ورّاق لازم است.

مذهّب (= تذهیب‌کار)

باید که جز مصحف را تذهیب نکند. اختلاف مردم درباره این که مصحف را با زر توان تذهیب کرد یا نه امری است شناخته. آن‌چه رافعی^۲ و نووی آن را صحیح دانسته‌اند این

۱. یعنی پدر مؤلف تقی‌الدین علی بن عبدالکافی سبکی، قاضی القضاة مصر و از علمای بزرگ قرن هشتم.

۲. منظور محمّد بن عبدالکریم رافعی قزوینی (۵۸۰-۵۱۳ ق) یکی از بزرگترین فقهای شافعیه است که پسرش عبدالکریم بن محمّد رافعی قزوینی التّدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین را نوشته و این کتاب دریایی است در زمینه مسائل تاریخ فرهنگ ایران زمین.

است که باید دید این تذهیب مصحف، برای زن است یا مرد؟ اگر برای زن است، حلال است و اگر برای مرد است حرام.

آنچه عقیده مختار ماست این است که آراستن مصحف، مطلقاً، حلال است. اما به جز مصحف، اتفاق اصحاب، بر این است که کتاب‌های دیگر را نباید به زر آراسته کرد.

نقاش (= دهان)

نباید صورت هیچ موجود زنده‌ای را تصویر کند نه بر دیوار و نه بر سقف و نه بر هیچ‌آلتی از آلات، و نه بر زمین. بعضی از اصحاب ما (شافعیه) تصویر موجود زنده را بر زمین جایز دانسته‌اند، ولی آنچه صحیح است خلاف آن است. رسول ص مصوران را نفرین کرده است و گفته که "ایشان، در روز رستاخیز، عذابی افزون‌تر از همگان دارند".

دلال‌ها

بعضی از ایشان دلال کتاب‌اند. وظیفه دلال کتاب است که کتاب‌های دینی را به کسی که می‌داند آن‌ها را ضایع خواهد کرد یا به قصد انتقاد و طعن در آن‌ها خواهد نگریست، نفروشد. و نباید که چیزی از کتاب‌های اهل بدعت و اهواء و کتاب‌های منجمان و کتب مکذوبه (برساخته و دروغین) از قبیل سیره عتتره و جز آن را بفروشد. و همچنین روا نیست که مصحف و چیزی از کتب حدیث و فقه را به کافران بفروشد.